



واکاوی مبانی دینی جهاد کبیر و بازتاب آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی

اسداله کرد فیروزجانی*

(۱۴۲-۱۲۱)

چکیده

جهاد کبیر به معنای عدم اطاعت از کفار، اصطلاحی است که در قرآن کریم مطرح شده است. از آنجاکه این نوع جهاد از نوع جهاد هوشمند و نرم‌افزاری برای دفاع از نظام اسلامی است، پرداختن به آن اهمیت جدی دارد. مسئله در این پژوهش آن است که امکان دارد برخی با تأثیرپذیری از تفکر تجددگرایانه، القا کنند که جهاد کبیر صرفاً اصطلاح ژورنالیستی است و هیچ مبناى علمى ندارد. چنین نگرشی می‌تواند در عرصه سیاسی به خصوص در سیاست خارجی، موجب انفعال شود. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که جهاد کبیر دارای چه مبانی‌ای است و در سیاست خارجی چه بازتابی می‌تواند داشته باشد. گمان بر این است که جهاد کبیر دارای مبانی متقن و منطقی است که تبیین درست آن می‌تواند در سیاست خارجی بازتاب و انعکاس جدی داشته باشد. این مقاله با نگاه دینی و

*. استادیار فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام - akf474@yahoo.com

شیوه تحلیلی به دنبال تبیین مبانی دینی جهاد کبیر و کاربست آن در سیاست خارجی است و به این نتیجه دست یافت که با استفاده از مبانی دینی همچون توحیدمحوری، عزت‌مداری و وجوب نفی سلطه از دشمن می‌توان جهاد کبیر را مفهوم‌شناسی و بازتاب آن را در سیاست خارجی عملیاتی کرد.

واژگان کلیدی

قرآن، جهاد کبیر، سیاست خارجی، اطاعت، کفار و تبری

مقدمه

تمام موفقیت‌های انسان پس از توفیق الهی، مرهون تلاش و کوشش بی‌امان و خالصانه اوست. جهاد و تلاش انسان می‌تواند هم در مسیر بازسازی نفس و مبارزه با دشمن درون باشد که آن «جهاد اکبر» نامیده می‌شود و هم در مسیر جنگ سخت و مبارزه با دشمن بیرون باشد که «جهاد اصغر» نامیده می‌شود. اما جهاد دیگری که رنگ سیاسی دارد، ولی کمتر از آن در ادبیات سیاسی سخن به میان می‌آید، «جهاد کبیر» است. آنچه هم‌اکنون موجب اهمیت پرداختن به این موضوع می‌شود، آن است که برخی تجددگرایان در داخل کشور بر ضرورت ارتباط با جهان غرب تأکید می‌ورزند و شرط توسعه‌یافتگی کشور را منوط به تکیه بر جهان غرب می‌دانند و معتقدند اگر بخواهیم کارآمد باشیم، ناگزیر باید با جهان در ارتباط باشیم. آنها تنها راه‌حل مشکلات جامعه اسلامی یا هر کشوری را همکاری جهانی می‌دانند و بر این باورند که ما با این شگرد (ارتباط با غرب) می‌توانیم تکنیک توسعه را از غرب بیاموزیم تا به جمع کشورهای توسعه‌یافته ملحق شویم. طرف‌داران این نگرش معتقدند ایرانیان برای ادامه حیات خود نمی‌توانند بدون غرب پیش روند. اما این نگرش می‌تواند این شبهه را القا کند که اسلام با توجه به برخورداری از این همه راهکارهای اجتماعی و حکومتی، قادر به اداره کشور نیست. پس جهت رشد و توسعه همه‌جانبه، باید غرب را الگو قرار داد. این پژوهش می‌تواند براساس تبیین مبانی دینی جهاد کبیر، در معرفت‌بخشی به تصمیم‌گیران نظام جمهوری اسلامی تأثیرگذار باشد و همچنین می‌تواند

در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز بازتاب سازنده‌ای داشته باشد. طراح اصلی بحث جهاد کبیر، قرآن کریم است که مفسران قرآن ذیل آیه ۵۲ سوره فرقان به آن اشاره کردند؛ اما به مناسبت شرایط سال‌های اخیر کشور، رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای داماد، جهت برون‌رفت از چالش‌های ایجادشده از سوی جهان سلطه، در دانشگاه افسری امام حسین علیه السلام آن را مطرح ساختند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳ خرداد).

باتوجه به تحقیقاتی که به عمل آمده است، در این موضوع پژوهش‌هایی مانند کتاب جهاد کبیر تألیف مهدی سیاوشی و مهدی موسوی‌نیا از آثار مرکز مطالعات حدیث ولایت دانشگاه امام حسین علیه السلام و کتاب جهاد کبیر: مبانی انقلابی از منظر قرآن کریم تألیف عباس عبداللہی از انتشارات کتاب فردا و مقاله «سازۀ مفهومی جهاد کبیر در گفتمان سیاست خارجی مقام معظم رهبری» منتشرشده در شماره ۸۸ فصلنامه حکومت اسلامی انجام گرفته‌اند که هریک از آنها به زوایایی از بحث اشاره کرده‌اند؛ اما مقاله پیش‌رو به مبانی دینی جهاد کبیر و بازتاب آن در سیاست خارجی پرداخته است. در این مقاله برآنیم با تحلیل مفاهیم و داده‌های علمی به این نکته پردازیم که براساس مبانی متقن و منطقی، جهاد کبیر آموزه‌ای انکارناپذیر و امری لازم است و عملیاتی ساختن آن می‌تواند در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش سازنده‌ای داشته باشد.

مفاهیم

جهت تحلیل و تبیین درست مطالب موضوع، ابتدا لازم است به مفهوم‌شناسی واژگان اصلی بحث، یعنی کلمه جهاد، جهاد کبیر و سیاست خارجی پرداخته شود:

مفهوم جهاد

جهاد واژه‌ای عربی است از ریشه «جهد» که در لغت به معنای مشقت، تلاش، مبالغه در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۸۹؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲:

۴۶۰). به بیان دیگر، جهاد عبارت است از پرداختن و صرف نیرو برای دفع دشمن و راندن آن که خود بر سه گونه است: ۱. جنگ و مجاهده برای راندن و دفع دشمن آشکار؛ ۲. جهاد با شیطان و اهریمن؛ ۳. جهاد در مجاهده با نفس (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۲۴). از مجموع اینها به «قتال الأعداء» تعبیر می‌شود (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۷۴). اما در اصطلاح می‌تواند در موارد متعددی بررسی شود؛ ولی مهم‌ترین مفهوم اصطلاحی این واژه در متون دینی، همانند کاربرد عام آن، گونه‌ای خاص از تلاش است؛ یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در نبرد با کافران و باغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن (نجفی، ۱۴۳۰، ج ۲۱: ۳؛ عاملی، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۹).

جهاد در آموزه‌های دینی و اسلامی دارای ارزش والایی است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ» (تقی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۲۶)؛ همانا جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند به روی اولیای مخصوص خود گشوده است».

مفهوم جهاد کبیر

جهاد کبیر از نظر لغت به معنای جهاد بزرگ است، اما از نظر اصطلاح چند دیدگاه وجود دارد؛ زیرا این نوع جهاد، مستخرج از آیه شریفه‌ای است که می‌فرماید: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲). راز تعدد دیدگاه، اختلاف مفسران در مرجع ضمیر «به» است: برخی مفسران و دانشمندان ضمیر «به» را به قرآن برمی‌گردانند که در این صورت معنای آیه این خواهد بود: «از کافران اطاعت نکن و به وسیله قرآن با آنان جهاد بزرگی بنما» (طوسی، بی‌تا، ج ۷: ۴۹۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۲۲۸). باتوجه به این معنا، معنای اصطلاحی جهاد کبیر، «جهاد علمی» خواهد بود؛ اما برخی مفسران و دانشمندان دیگر ضمیر «به» را به مصدر «فَلَا تُطِيعِ» یعنی «عدم اطاعت» برمی‌گردانند، که در این صورت معنای آیه این خواهد شد: «از کافران اطاعت نکن و به وسیله عدم اطاعت، با آنان جهاد

بزرگی بنما» (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۸۷۱؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶، ج ۵: ۱۵۵؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۶ خرداد). از این منظر معنای اصطلاحی جهاد کبیر، «اطاعت نکردن از کفار» خواهد بود؛ دسته دیگری از مفسران نیز ارجاع ضمیر «به» را هم به قرآن جایز می‌دانند و هم به «عدم اطاعت» (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۱۴۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۸: ۱۱۷؛ خطیب شربینی، ۱۴۲۵، ج ۳: ۲۷؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۹: ۷۹؛ کاشانی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۴۲) که در این صورت جهاد کبیر، هم در «جهاد علمی» کاربرد دارد و هم در «عدم اطاعت از کفار»؛ افزون بر اینکه بسیاری از مفسران معنای اصطلاحی جهاد کبیر را «عدم اطاعت از کفار» معنا کردند.

در این مقاله نگره دوم، یعنی «جهاد کبیر به معنای عدم اطاعت از کفار» را برمی‌گزینیم؛ زیرا «جهاد قرآنی و علمی» عام است و «عدم اطاعت از کفار» یکی از زیرمجموعه‌های آن تلقی می‌شود. بر همین اساس، از خواسته‌های قرآن از مسلمانان در مقابل کفار آن است که از آنها (کفار) اطاعت و تبعیت نکنند، که این گزاره با عبارت‌هایی همچون «وَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ الْمُنٰفِقِيْنَ وَ دَعْ اٰذٰهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلٰی اللّٰهِ وَ كَفٰی بِاللّٰهِ وَكِيْلًا (حجرات: ۴۸)؛ و کافران و منافقان را فرمان مبر، و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می‌کند» همخوانی دارد. با این اوصاف، منظور از جهاد کبیر در این مقاله آن است که همه دست‌اندرکاران در نظام اسلامی به‌ویژه سیاست‌مداران و نخبگان سیاست خارجی، در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و سلطه‌گری‌های جهان سلطه به‌سرکردگی امریکا بایستند و از آنها اطاعت نکنند.

مفهوم سیاست خارجی

سیاست خارجی^۱ عبارت است از استراتژی یا رشته اعمال از پیش طرح‌ریزی شده به‌وسیله تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین‌المللی از سوی دولت‌ها

1. Foreign Policy.

انجام می‌پذیرد. بنابراین، سیاست خارجی می‌تواند «مجموعه خط‌مشی‌ها، تدابیر، روش‌ها و انتخاب مواضعی که یک دولت در برخورد با امور و مسائل خارجی در چهارچوب اهداف کلی حاکم بر نظام سیاسی اعمال می‌کند» (محمدی، ۱۳۶۶: ۲۳). باشد.

باید دانست که هر نوع روابط کشوری با کشورهای دیگر مانند عقد موافقت‌نامه‌های تجاری و گمرکی، دریافت و پرداخت وام، مبادله دانشجویان، برگزاری کنگره‌های مذهبی یا بازی‌های المپیک، الزاماً نمی‌توانند جزو سیاست خارجی به حساب آیند و سیاست خارجی را باید از این دسته روابط تمیز داد. سیاست خارجی فقط آن دسته از روابط را دربرمی‌گیرد که ابتکار آن با حکومت‌هاست و از طرف آنان تصدی می‌شود. بنابراین سیاست خارجی، امری رسمی است که هدایت آن به عهده حکومت‌هاست و از روابط گروه‌ها و افرادی که غیررسمی‌اند متمایز است. فرهنگ روابط بین‌الملل، سیاست خارجی را چنین تعریف می‌کند: «استراتژی یا خط‌مشی که به وسیله تصمیم‌گیرندگان یک کشور در رابطه با دیگر کشورها یا موجودیت‌های بین‌المللی طرح‌ریزی می‌شود و منظور از آن، دستیابی به اهداف ویژه‌ای است که برپایه منافع ملی تعریف و مشخص شده‌اند» (پلینو، ۱۳۷۵: ۲۰-۲۱). بنابر این تعریف، می‌توان گفت: جهتی را که دولت، که از تصمیم‌گیرندگان کشور شمرده می‌شود، برمی‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت به جامعه بین‌المللی، سیاست خارجی نامیده می‌شود.

در تعریف دیگر از سیاست خارجی آمده است: «سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال ازپیش‌طرح‌ریزی‌شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی است که در صحنه بین‌المللی ازسوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد» (بابایی، ۱۳۸۳: ۲۱۸).

بر اساس این تعریف، سیاست خارجی، نوعی نقشه راه و راهبردی است که تصمیم‌گیرندگان در حکومت را در صحنه بین‌الملل با توجه به منافع ملی، به اهداف معین و ازپیش‌تعیین‌شده می‌رساند.

گروه دیگری سیاست خارجی را نوعی فعالیت مرزی تلقی می‌کنند؛ بدین معنا که «سیاست‌گذاران در عرصه سیاست خارجی یک پای خود را در محیط درونی یا داخلی می‌گذارند و پای دیگر را در محیط بیرونی یا جهانی. سیاست‌گذاران سیاست خارجی در این نقاط پیوند قرار دارند و می‌کوشند میان دو محیط متفاوت، نقش واسط را ایفا کنند» (ایوانز، ۱۳۸۱: ۲۷۷-۲۷۸).

در جمع‌بندی آنچه گذشت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیاست خارجی عبارت است از خط‌مشی، شیوه و روشی که دولت در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور و بین‌الملل برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع خود اتخاذ می‌کند.

پیوند سیاست خارجی در عرصه‌های گوناگون با سیاست داخلی

محققان روابط بین‌الملل بر این نکته تأکید می‌ورزند که سیاست خارجی دنباله‌روی سیاست داخلی است و نمی‌تواند به‌کلی منفک از آن باشد و این می‌تواند در عرصه‌های مختلف خود را نشان دهد؛ چنان‌که در فرهنگ بین‌الملل آمده: «در مجموع سیاست خارجی دنباله سیاست داخلی است. بر این مبنا مختصات نظام سیاسی از لحاظ ساختاری و رفتاری می‌تواند نقش مؤثری در شیوه تعیین منافع، استراتژی‌ها و هدف‌ها در عرصه بین‌الملل ایفا کند» (بابایی، ۱۳۸۳: ۲۱۸). در کلام دیگری آمده است: «سیاست خارجی تابعی از سیاست داخلی و به‌ویژه تابعی از نظام اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور است» (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۸۳: ۱۵۰). بر این اساس، می‌توان گفت سیاست خارجی هر نظامی در بسیاری از عرصه‌ها متجلی سیاست داخلی آن است و سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

امام خمینی علیه السلام بر پیوند و به‌هم‌پیوستگی سیاست خارجی با سیاست داخلی در عرصه‌های متعدد تأکید می‌کردند. ایشان در عرصه فرهنگی بر این باورند که نیروهای داخل کشور از نظر اخلاق، رفتار و آداب و رسوم باید طوری عمل کنند که بتوان

جمهوری اسلامی را به جاهای دیگر نیز سرایت داد (شیرودی، ۱۳۹۵: ۱۱۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۶: ۸۱). همچنین امام علیه السلام درباره به هم پیوستگی سیاست خارجی و سیاست داخلی در عرصه سیاست می‌فرماید: «پیروزی ملت مسلمان ایران بدون شک سرمشق خوبی برای سایر ملل ستم‌دیده جهان، خصوصاً ملت‌های خاورمیانه خواهد بود که چگونه یک ملتی با اتکا به ایدئولوژی انقلابی اسلامی، بر قدرت‌های عظیم فایق می‌آید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۳۳۳). اگر نظام اسلامی در عرصه اقتصادی که بخشی از سیاست داخلی آن شمرده می‌شود قدرتمند باشد، می‌تواند به‌عنوان الگوی مناسب اقتصادی در سطح بین‌الملل خود را نشان دهد و کشور را از سلطه اقتصادی در عرصه بین‌الملل نجات بخشد؛ چنان‌که امام خمینی علیه السلام کوشش خودکفایی کشاورزی را گامی به سوی مهار سلطه ابرقدرت‌ها می‌دانستند (همان، ج ۱۰: ۴۴۳). همین قضیه در عرصه نظامی نیز جاری است؛ زیرا وجود بسیج بیست میلیونی در عرصه نظامی و برخورداری آنان از روحیه ایثار و شهادت‌طلبی، می‌تواند در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأثیرگذار باشد و دشمنان را در عرصه نظامی، گرفتار انزوا و عقب‌نشینی کند (همان، ج ۱۵: ۳۸۷).

براین اساس، از آنجاکه سیاست داخلی جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و مانند آن براساس اندیشه توحیدی تنظیم شده، لازم است سیاست خارجی آن نیز براساس همین اندیشه تنظیم شود.

مبانی جهاد کبیر و رابطه آنها با سیاست خارجی

جهاد کبیر مبتنی بر پیش فرض‌های دینی است که هریک از آنها می‌توانند در سامان‌دهی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش داشته باشند. به همین مناسبت در اینجا به برخی از آن مبانی و رابطه‌شان با سیاست خارجی اشاره می‌شود:

خداشناسی

خداشناسی به این معناست که انسان بداند خالق و رازق او کیست و بداند غیر از خدای خالق و رازق، خدای دیگری وجود ندارد و همه انسان‌ها به او نیاز دارند بدون اینکه او به انسان‌ها یا هر موجود دیگری محتاج باشد (صدرالدین شیرازی، بی‌تا، ج ۲: ۲۱۶-۲۱۹)؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر: ۱۵)؛ ای مردم، شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز ستوده است.» خداشناسی دارای گستره وسیعی است که شامل شناخت صفات و اسمای خدا، افعال خدا، توحید و یگانگی خدا و مانند آن می‌شود؛ اما به‌مناسبت طرح مسئله در این مقاله و خاستگاه آن، در میان موضوعات خداشناسی، به مسئله توحید اشاره می‌شود؛ زیرا توحید از بنیادی‌ترین و ریشه‌ای‌ترین مباحث اعتقادی است که بر نفی شریک و همتای خداوند (سبحانی، ۱۴۱۳: ۲۲) و در نتیجه بر عدم اطاعت از غیر خدا دلالت می‌کند. نکته درخور توجه اینکه توحید فقط شامل مباحث توحید نظری و اعتقادی صرف نیست، بلکه توحید در حوزه فعل و عمل نیز دارای اهمیت جدی است و عدم جواز اطاعت از کفار نیز ریشه توحیدی دارد. براین اساس، برخی از مراتب توحید که از آنها توحید فعلی و عملی است، می‌توانند مبنا و پیش‌فرض بحث ما قرار گیرند، که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. توحید در اطاعت: پرسش مطرح در این قسمت آن است که آیا در شئون مختلف مانند رسیدن به توسعه و همگون شدن با کشورهای رشدیافته و مانند آن، نخبگان سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌توانند در مشی‌شان از صاحبان هر قدرتی، اگرچه در مسیر باطل باشند، اطاعت کنند و از آنها الگو بگیرند. آیا اسلام چنین اجازه‌ای داده است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: از آنجاکه توحید در اطاعت، اطاعت از غیر خدا و غیر منصوبان از طرف خدا را منتفی کرده است، نخبگان سیاست خارجی در ارتباط با دولت‌های بیگانه نمی‌توانند سیاست خارجی را طوری تنظیم کنند که موجب اطاعت و الگوپذیری باطل از آن دسته دولت‌ها شود؛ زیرا براساس آموزه‌های اسلام، انسان فقط باید

از خدا یا کسانی که از طرف خدا مأذون اند اطاعت کند. بنابراین، توحید در اطاعت یعنی انسان تنها از خدای تعالی فرمان برد و به فرمان غیر او تن ندهد (طوسی، بی تا، ج ۲: ۵۸۹).
براین اساس، حق اطاعت اولاً و بالذات مخصوص خداست (تغابن: ۱۶)؛^۱ زیرا او مالک و خالق جهان است. سپس با اذن خدا، از رسول خدا و اوصیای رسول خدا نیز می‌توان اطاعت کرد (نساء: ۶۴).^۲

در مقابل توحید در اطاعت، شرک در اطاعت هست؛ به این معنا که اگر انسان بدون اذن خدا از غیر خدا اطاعت کند، فاقد توحید در اطاعت است؛ چه رسد به اینکه از کفار اطاعت کند؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام ذیل آیه شریفه « وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ »^۳ (یوسف: ۱۰۶) شرک را چنین معنا می‌کنند: « شِرْكُ طَاعَةِ أَطَاعُوا الشَّيْطَانَ وَأَشْرَكُوا بِاللَّهِ فِي طَاعَتِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹: ۹۹)؛ [مراد از شرک در آیه،] شرک در طاعت است؛ [یعنی] شیطان را اطاعت می‌کنند و برای خدا در اطاعت کردن شریک قائل می‌شوند. » با این وصف، سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید طوری سامان یابد که موجب الگوپذیری باطل و اطاعت‌پذیری شرک‌آمیز از ابرقدرت‌های جهان نشود. بنابراین، می‌توان دریافت که اطاعت از کفار و دولت‌های سلطه‌گر یا اطاعت از کسی که انسان را وادار به ذلت، پستی و گناه می‌کند، قطعاً مذموم است و موجب کفر و شرک می‌شود (خونی، بی تا: ۴۷۰-۴۷۱).^۴ براین اساس، در سیاست خارجی حس عزتمندی که با توحید در اطاعت تحصیل می‌شود باید حفظ شود؛

۲. توحید در حاکمیت: لازم است سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر مبنای توحید در حاکمیت سامان‌دهی شود؛ زیرا توحید در حاکمیت، حکومت‌های غیرالهی را طاغوت

۱. « فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (تغابن: ۱۶)؛ پس تا می‌توانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید، و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید؛ و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند، آنان رستگاران اند. »
۲. « وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ (نساء: ۶۴)؛ ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. »
۳. « و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند جز اینکه [با او چیزی را] شریک می‌گیرند. »

معرفی می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۷۴). توحید در حاکمیت از شئون توحید ربوبی است؛ یعنی ربّ (پروردگار) صاحب و مالک مربوب است و دیگران نمی‌توانند تکلیف معین کنند. براین اساس، پذیرش برخی قوانین و کنوانسیون‌هایی^۱ که از طرف دشمنان طراحی می‌شوند و با آموزه‌های دینی و منافع ملی نیز هماهنگی ندارند، نوعی پذیرش حاکمیت دشمن شمرده می‌شود و با توحید در حاکمیت همخوانی ندارد؛ زیرا براساس انگاره‌های قرآنی، حق حاکمیت و ولایت اولاً و بالذات به خداوند اختصاص دارد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده: ۵۵)؛ ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.»

در این آیه شریفه حق حاکمیت و ولایت با کلمه «انما»، که از نشانه‌های حصر است، به خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند اختصاص یافته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۶: ۸-۱۲). با این اوصاف، می‌توان گفت: قدرت‌های سلطه‌گر جهانی امروز هرگز از طرف خدا مأذون نیستند و هرگز حق حاکمیت نخواهند داشت. از این رو، فهمیده می‌شود که انسان‌ها مجوز ندارند از حکومت‌های غیرمأذون از طرف خدا مانند رژیم‌های صهیونیستی اطاعت کنند یا خود را تحت حاکمیت آنها قرار دهند و آنها را به‌عنوان الگو برگزینند؛ زیرا چنین عملی، هم با اندیشه توحیدی که نظام اسلامی برخاسته از آن است همخوانی ندارد و هم با منافع ملی که از اصول لازم‌الرعاية سیاست خارجی است منافات دارد؛

۳. توحید در استعانت: یکی از مراتب توحید عملی، توحید در استعانت است؛ به این معنا که انسان از غیر خدا کمک نجوید و فقط از خدا کمک بخواهد (رشید رضا، بی‌تا، ج ۱: ۵۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۶). از صریح‌ترین آیات قرآن که انحصار استعانت از خدای متعال

را می‌رساند آیه پنج سوره مبارکه حمد است که می‌فرماید: «وَلْيَاكُفِّرُنَا بِمَنِّكَ» (وَلْيَاكُفِّرُنَا بِمَنِّكَ) «مقدم شدن ضمیر مفعولی «يَاكُفِّرُنَا» بر فعل، بیان‌کننده انحصار استعانت از خدای متعال است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۷). خداوند در قرآن کریم راز توحید در استعانت را نیز بیان کرده است: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (آل عمران: ۱۲۶)؛ و پیروزی جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست.»

وقتی پیروزی به‌طور استقلالی منحصرأ نزد خداوند است و غیر از او همه نیازمند و فقیر در گاه او هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۹)، نمی‌توان به غیر از خدا استعانت جست و در نتیجه کمک خواستن ذلیلانه از کفار صحیح نیست. توحید در استعانت به نخبگان سیاست خارجی هشدار می‌دهد که هرگز به شکل ذلیلانه و تحقیرآمیز از دشمن درخواست کمک نکنید. حضرت موسی علیه السلام خطاب به قوم خود می‌فرماید: «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا (اعراف: ۱۲۸)؛ از خدا یاری جوئید و پایداری ورزید.»

باتوجه به توحید در استعانت و انحصار کمک‌خواهی از خداوند، به این نتیجه می‌توان دست یافت که کمک خواستن از دشمنان و کفار که به‌طور طبیعی تبعیت و سلطه‌گری را نیز در پی خواهد داشت، صحیح نیست و از همین روست که دست رد زدن به دشمن و کمک نخواستن از آنها جهاد کبیر نامیده می‌شود. نکته‌ای که در پایان بحث خداشناسی و مراتب توحید گفتنی است اینکه برقراری ارتباطات دیپلماتیک عزتمندانه در سیاست خارجی با دولت‌های غیرمسلمان در صورتی که منافی با اندیشه توحیدی نباشد، از منظر اسلام مانعی ندارد؛ زیرا روابط دیپلماتیک، رابطه طرفینی است که هویت اجتماعی و مدنی انسان و زندگی مسالمت‌آمیز آن را اقتضا می‌کند؛ ولی آنجاکه دولتمردان بلاد کفر خواهان امتیازاتی باشند که موجب تبعیت ذلیلانه از آنان و باعث وابستگی و ذلت مسلمانان شود، پذیرش چنین خواسته‌هایی با مفهوم توحید همخوانی ندارد و باید در مقابلشان مقاومت و ایستادگی کرد؛ که در قرآن از آن با عنوان جهاد کبیر یاد می‌شود؛

اعتماد به خدا: چگونه ممکن است انسان با وجود خداوند متعال، به غیر خدا به‌ویژه کسانی که قصد سلطه‌گری دارند اعتماد کند و به آنها تکیه نماید؟ قرآن کریم منافقان را به خاطر بی‌اعتمادی به خداوند سرزنش می‌کند:

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يُفْقَهُونَ (منافقون: ۷).

اینها همان مردم بدخواه‌اند که می‌گویند: بر اصحاب رسول خدا انفاق مال مکنید تا [از گردش] پراکنده شوند؛ در صورتی که خزانه‌های آسمان و زمین، ملک خداست؛ ولیکن منافقین نمی‌فهمند.

این آیه پاسخ به انسان‌های منافقی است که معتقدند رزق و روزی به دست انسان است و اگر دست از انفاق بردارند، کسی نیست که از فقرا دستگیری کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۲۸۲). اینجاست که کارگزاران نظام جمهوری اسلامی به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی باید توجه داشته باشند که با وجود خدا و همت والای ملت ایران، از بیگانگان کاری ساخته نیست و نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. با صرف‌نظر از خباثت‌های برخی کشورهای بیگانه، آنها مانند ما انسان‌اند و از آنها گره‌ای باز نمی‌شود؛ چنان‌که قرآن کریم نیز می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلُكُمْ (اعراف: ۱۹۴)؛ همانا کسانی را که می‌خوانید غیر از خدا، جماعتی هستند مانند شما عاجز و بی‌دست‌وپا.» خداوند در آیاتی از قرآن به نبی مکرم اسلام ﷺ دستور می‌دهد که از کفار اطاعت نکند. به‌طور طبیعی عدم اطاعت از کفار و رژیم‌های سلطه‌گر و نیز ایستادگی در مقابل آنان، موجب خشم و عکس‌العمل آنان از قبیل تحریم اقتصادی خواهد شد. از این‌رو، خداوند به پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید در برابر اذیت و آزار آنان بی‌توجه باش و انتظار نداشته باش آنان در این صورت با تو در صلح و سازش باشند. بنابراین، به خدا تکیه کن؛ چون خدا تو را کفایت می‌کند؛ چنان‌که در آیه‌ای می‌فرماید: «وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا (احزاب: ۴۸)؛ و کافران و منافقان را اطاعت مکن، و به آزارشان اعتنا مکن، و بر خدا

توکل نما که خداوند برای وکالت کافی است.» براین اساس، توحید در توکل می‌تواند در سیاست خارجی جمهوری اسلامی به‌عنوان اصل جریان داشته باشد و به نخبگان سیاست خارجی هشدار دهد که به دشمن نمی‌توان اعتماد کرد و به امید کمک دشمن نمی‌توان صبر کرد و چشم به انتظار ماند؛

عزت اسلامی: از آنجاکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر مبنای عزتمندی و نفی هرگونه ذلت‌پذیری بنا نهاده شده است (منصور، ۱۳۷۷: ۸۴)، بر نخبگان سیاست خارجی لازم است عزت اسلامی را در تاروپود آن جاری و ساری بدانند و روابط دیپلماتیک را بر آن اساس تنظیم کنند و هرگز مقهور قدرت‌های بیگانه نشوند؛ زیرا گاهی ممکن است زیبایی‌های ظاهری دنیای کفر، چشم و ذهن برخی را پر کرده باشد و معتقد باشند که اگر بخواهیم در دنیای امروز عزیز باشیم، لازم است ابرقدرت‌های مطرح جهان را به‌عنوان قدرت برتر بپذیریم و براساس نظر آنها رأی بدهیم و آنان را رهبر و کدخدای جهان تلقی کنیم؛ در صورتی که دین مقدس اسلام برخلاف این دیدگاه نظر دارد و قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع دین اسلام می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء: ۱۳۹)؛ همان‌ها که کافران را به‌جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند، آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ بااینکه همه عزت‌ها از آن خداست.»

براساس این آیه شریفه، عامل عزت انسان جز خداوند متعال و اولیای او کس دیگری نمی‌تواند باشد. از این رو، عزت تنها در ولایت و سرپرستی خدا و اولیای خدا، اعم از نبی مکرم اسلام ﷺ، امامان معصوم علیهم‌السلام و مجتهد جامع‌الشرایط در عصر غیبت، ظهور می‌یابد. عزت از فروع «ملک» است و ملک نیز مختص خداست و تنها خداست که آن را به هرکس بخواهد اعطا می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۱۵)؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید:

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدَلُّ مَنْ تَشَاءُ (آل‌عمران: ۲۶).

بگو [ای پیغمبر] بارخدا یا، ای پادشاه ملک هستی، تو هرکه را خواهی ملک و سلطنت بخشی و از هرکه خواهی ملک و سلطنت بازگیری، و هرکه را خواهی عزت دهی و هرکه را خواهی خوار گردانی. هر خیر و نیکویی به دست توست و تنها تو بر هر چیز توانایی.

قرآن کریم به مناسبت‌های متعدد به مسلمانان هشدار می‌دهد که درمقابل دشمن ایستادگی کنید؛ چنان‌که می‌فرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ» (محمد: ۳۵)؛ پس سستی نوزید، تا به سازش دعوت کنید؛ باینکه شما برترید و خداوند با شماست.» این آیه به همه هشدار می‌دهد که اگر در مسیر مبارزه با دشمنان سلطه‌گر مانند امریکا و صهیونیسم صبر و استقامت داشته باشید، سستی نکنید، خسته نشوید و با اظهار ضعف و ناتوانی دشمن را دعوت به صلح و سازش نکنید، بر آنان پیروز خواهید شد (طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۳۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۱۶۲)؛

وجوب تبری از دشمن: تبری در لغت چنان‌که راغب می‌نویسد، به معنای دوری جستن از چیزی است که مجاورت با آن ناپسند است. در زبان عربی کسی که از مرضی شفا می‌یابد می‌گوید: «بَرَأْتُ مِنَ الْمَرَضِ: از بیماری رها شدم.» یا وقتی با کسی قطع رابطه می‌کند می‌گوید: «بَرَأْتُ مِنْ فُلَانٍ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۱)؛ از او دوری جستم و کناره گرفتم.» تبری در ادبیات سیاسی عبارت است از دوری جستن از فرد، جریان، جامعه یا هیئت حاکمه‌ای که جهت الهی نداشته و در پی سلطه‌گری باشند. به بیان دیگر، برائت در اینجا یعنی جدا شدن از جبهه باطل (خامنه‌ای، ۱۳۶۲: ۱۵) و ابراز تنفر از کسانی که با ولایت خدا، پیامبر ﷺ، ائمه معصومین و جانشینان آنها مخالف‌اند. بنابراین، بر نخبگان سیاسی در سیاست خارجی لازم است به هر هیئت حاکمه‌ای همانند دولت امریکا و رژیم نامشروع اسرائیل که همراه و همگام با شیطان و اولیای شیطان‌اند ابراز تنفر کنند و از آنان تبری جویند؛ زیرا قرآن کریم در آیات متعددی به تبری جستن از کفار و دشمنان اسلام تأکید

می‌ورزد، که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود. قرآن در آیه‌ای «پذیرش ولایت دشمن» را حجت بین و آشکار بر عقاب شدن انسان می‌داند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَ تَرِيدُونَ أَنْ
تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا (نساء: ۱۴۴).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید. آیا می‌خواهید [با این عمل،] دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟

خداوند هیچ‌گاه انسان را بدون حجت و دلیل آشکار عقاب نمی‌کند. قرآن کریم در این آیه شریفه اشاره می‌کند بر اینکه غیر مؤمنان (کفار) را ولی و سرپرست قرار دادن، حجت آشکار است بر عقاب انسان. بنابراین، در این آیه شریفه اتصال و ارتباط مؤمنان (در شرایط فعلی می‌توان منظور از مؤمنان را انسان‌های مستقر در نظام اسلامی دانست) با کفار، به طوری که مؤمنان ولایت و سرپرستی کفار را بپذیرند و از آن تبعیت کنند، به شدت نهی شده است (طوسی، بی تا، ج ۳: ۳۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۱۸). مرحوم فیض کاشانی موالات با کفار و مماشات با آنان را دلیل بر نفاق می‌داند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۵۱۴). تبری جستن از کفار و دشمنان دین آن قدر مهم است که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا طَعَامَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي
فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۴۸).

لباس دشمنان من را نپوشید و طعام دشمنانم را تناول نکنید و راه دشمنان مرا طی نکنید. پس شما نیز دشمن من خواهید شد، همان طور که آنها دشمن من هستند. اطاعت و تأثیرپذیری از دشمن می‌تواند هویت دینی و فرهنگی انسان را تغییر دهد؛ چنان‌که ابن خلدون در سفرش به اندلس اسلامی (اسپانیای فعلی) آثار نفوذ مسیحیان را چنین می‌بیند: «چنان می‌بینم آنان را که در لباس‌ها، مدال‌ها و بسیاری از حالات، حتی در ترسیم تمثال‌ها بر دیوارها و کارخانه‌ها و خانه‌ها از اجانب هم‌جوار خود تقلید می‌کنند که

هر بیننده‌ای که از روی خرد بنگرد، می‌فهمد این علامت استیلائی اجانب بر آنهاست» (ابن خلدون، بی‌تا: ۱۲۴)؛

وجوب نفی سلطه: یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی ایران، جلوگیری از سلطهٔ ابرقدرت‌ها بر کشور بود و براساس آن سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز شکل گرفته است. این از مواردی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن اشاره شد (منصور، ۱۳۷۷: ۸۴). بنابراین لازم است همت همهٔ نخبگان سیاست خارجی در عملیاتی کردن اصل مبارزه با سلطهٔ بیگانگان باشد و سیاست‌های خود را براساس آن تنظیم کنند. براین اساس، هر دولتی می‌تواند براساس عدالت با دولت‌های دیگر ارتباط دیپلماتیک مسالمت‌آمیز داشته باشد و این یکی از شیوه‌های اجتناب‌ناپذیر در نظام‌های سیاسی است و دولت جمهوری اسلامی نیز از آن مستثنا نیست. اما دانشمندان مسلمان براساس قرآن و روایات، قاعده‌ای تأسیس کردند که براساس آن، هیچ دین یا حکومتی نمی‌تواند بر دین یا حکومت اسلامی تسلط داشته باشد و چنین سلطنتی را حرام دانستند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۷۲۷). این قاعدهٔ فقهی مستند به آیهٔ شریفه‌ای است که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد کرد.

براساس این آیهٔ شریفه می‌توان دریافت که مؤمنان تازمانی که بر ایمان خود ملتزم باشند، بر کفار غلبه خواهند داشت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۱۶)؛ زیرا وقتی ایمان باشد، جای هیچ نگرانی نیست؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل‌عمران: ۱۳۹)؛ و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید، اگر ایمان داشته باشید.» براساس قاعدهٔ نفی سبیل، هر نوع سلطه‌ای برضد مؤمنان ممنوع است. بنابراین، هر نوع سلطه‌ای اعم از سلطهٔ فیزیکی، سلطهٔ ادعایی، سلطه در استدلال، سلطهٔ حاکمیتی، سلطهٔ حقوقی، سلطهٔ تکنولوژیکی، اطلاعاتی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، قیمومتی، خانوادگی و باواسطه و بی‌واسطه برضد مسلمانان ممنوع است و هیچ مسلمانانی نباید سلطه‌پذیر باشد. بنابراین، مقاومت در مقابل سلطه‌گری دشمن، جهادی بزرگ است که قرآن

از آن، به جهاد کبیر یاد می‌کند. براین اساس، می‌توان گفت موضوع تحریم تنباکو و کاپیتولاسیون و اصل نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، برآمده از همین قاعده است.

بازتاب جهاد کبیر در سیاست خارجی

قاعده‌ای کلی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به آن تصریح شده، آن است که قوانین و مقررات اسلام باید در همه جا رعایت شود. بنابراین، نه تنها در سیاست خارجی، بلکه در همه امور کشور جمهوری اسلامی ایران اعم از سیاست داخلی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن باید مقررات و اصول اسلام مراعات شود و سیاست خارجی نیز از آنهاست؛ چنان‌که در اصل چهارم قانون اساسی آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشند. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است» (منصور، ۱۳۷۷: ۲۴). با این فرض می‌توان دریافت که لازم است سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس عزت اسلامی و نفی هر نوع سلطه‌پذیری و منتفی دانستن پیروی از دشمنان اسلام که وحی الهی در تبیین جهاد کبیر مبین آن است، تنظیم شود. بنابراین، از قواعد بنیادی و پایه‌ای حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قاعده نفی سبیل است که آیه شریفه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) و حدیث معروف «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ وَالْكَفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۳۴) از نبی مکرم اسلام ﷺ بر آن حکایت دارند. مدلول این قاعده آن است که هرگونه سلطه‌پذیری، استبداد و استعماری که موجب نفی استقلال و هرگونه وابستگی و وادادگی مسلمانان شود، منتفی است. با این وصف می‌توان گفت اجرای این قاعده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نوعی حق «وتو» است و براساس اصل یک‌صد و پنجاه و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر نوع قراردادی در روابط خارجی اعم از سیاسی، اقتصادی،

فرهنگی، نظامی و مانند آنکه موجب تسلط کفار بر جامعه مسلمانان شود، مردود و باطل است (منصور، ۱۳۷۷: ۸۴). شکی نیست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بخش اعظمی از کل سیاست اصل نظام است که براساس شرع مقدس اسلام بنا نهاده شده و دارای قواعد و اصولی است که بر آن حاکم‌اند. ازاین حیث که اصول مرتبط با سیاست خارجی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر همین قاعده است (همان)، می‌توان گفت جهاد کبیر، که در قرآن به عدم اطاعت از کفار معنا شده و نوعی مبارزه نرم‌افزاری و هوشمند با استکبار یا هر نوع زیاده‌طلبی است، می‌تواند بازتاب و انعکاس سازنده و راهبردی داشته باشد و بر رعایت اصول حاکم بر سیاست خارجی تأکید ورزد و کارگزاران سیاست خارجی را وادار کند که در عملیاتی کردن مفاد آن براساس اندیشه توحیدی کوشا باشند. در شرایط کنونی اگر ایران اسلامی درمقابل ابرقدرت‌ها ایستادگی و از نهضت‌های اسلامی و جبهه مقاومت در منطقه حمایت می‌کند (محمدی، ۱۳۶۶: ۳۹)، به‌خاطر بازتاب و انعکاس جهاد کبیر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. درواقع جهاد کبیر گفتمانی مستخرج از قرآن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است که به‌وسیله آیت‌الله خامنه‌ای احیا شده است. باتوجه‌به مبانی عملی جهاد کبیر همچون توحیدمحوری و عزت‌طلبی، رژیم اشغالگر قدس، غاصب و نامشروع تلقی می‌شود و نباید به رسمیت شناخته شود و درمقابل، همه نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و جبهه مقاومت باید پشتیبانی شوند. براین اساس، انعکاس جهاد کبیر در سیاست خارجی، دست‌کم دو نتیجه کلی دارد: ۱. حفظ هویت جمهوری اسلامی در سیاست خارجی که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از: اسلامیت که هویت اصلی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد و براساس آن باید از مظلوم دفاع کرد و از ظالم بی‌زاری جست (ایزدی، ۱۳۷۷: ۶۱) و دیگری انقلابیگری است که خود از اصل اسلامیت ناشی می‌شود و به این معناست که هر حرکتی در سیاست خارجی صورت می‌گیرد باید براساس تراز انقلاب اسلامی باشد؛ ۲. امنیت جمهوری اسلامی. در بحث امنیت باید توجه داشت که شاید دشمن از نظر امنیت نظامی

تواند به ما ضربه بزند، اما می‌تواند از نظر هویتی، امنیت ما را به خطر اندازد. محاصره اقتصادی، تهاجم فرهنگی و مانند آن از این سنخ است. براین اساس، جهاد کبیر ما را ملزم می‌کند بر اینکه سیاست خارجی ما به شکلی باشد که بتواند هویت جمهوری اسلامی و امنیت آن را در سطح بین‌الملل حفظ کند (طاهایی و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۷۲).

اما اینکه آیا واقعاً در حال حاضر عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس جهاد کبیر و الهام‌یافته از فرمایش‌های امام خامنه‌ای است یا خیر، جای تأمل دارد؛ زیرا عملیاتی کردن کامل جهاد کبیر در سیاست خارجی، مبتنی بر به سامان رسیدن کامل دولت اسلامی است؛ حال آنکه دولت اسلامی در تراز گفتمان انقلاب اسلامی هنوز به وقوع نپیوسته است. فی‌الجمله می‌توان گفت هنوز نخبگان سیاست خارجی ما نتوانستند خود را با جهاد کبیر و فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب منطبق سازند، که تفصیل آن در اینجا نمی‌گنجد، بلکه مقاله مستقلی را می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

جهاد کبیر به معنای «ترک اطاعت از کفار»، یکی از ابزارهای نرم‌افزاری و هوشمند است که از آن می‌توان برضد کفار و معاندان نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد. اگرچه در ادبیات رایج سیاسی، کمتر از این واژه گفت‌وگو می‌شود، دارای مبانی و پیش‌فرض‌های متقن دینی است و از تحقیقاتی که انجام گرفته به این نتیجه می‌توان دست یافت که براساس مبانی دینی، انفعال یا سکوت نخبگان سیاسی در مقابل استعمار و زیاده‌خواهی‌های دشمن، فعل مذموم است و با اندیشه‌توحیدی همخوانی ندارد؛ زیرا قرآن در آیه‌ای به معنای جهاد کبیر تصریح می‌کند و آن را در عدم «اطاعت از کفار سلطه‌گر» مفهوم‌شناسی می‌کند و در آیات دیگر نیز، تبعیت از کفار و کسانی را که قصد سلطه‌گری دارند نهی می‌کند و بر خوداتکایی تأکید می‌ورزد. از مجموع آنها به دست می‌آید که بر نخبگان سیاست خارجی لازم است هریک از مبانی جهاد کبیر را در حوزه‌های مختلف

اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و امنیتی و مانند آن عملیاتی کنند و اصل عزت، کرامت و مصلحت را بر وادادگی و انفعال ترجیح دهند و بر اصول حاکم بر سیاست خارجی که مبتنی بر اصل عزتمندی و نفی هرگونه سلطه‌پذیری است، پای فشارند. نکته دیگر اینکه هریک از مبانی جهاد کبیر بر اطاعت و تبعیت نکردن از کفار ستمگر، مستبد و سلطه‌جو مانند هیئت حاکمه امریکا و رژیم نامشروع اسرائیل که خصلت سلطه‌گری آشکار در آنان وجود دارد، دلالت دارند و تأکید می‌ورزند. اما این دسته از مبانی هیچ‌گاه موجب قطع روابط دیپلماسی عزتمندانه با کشورهای غیر مسلمان غیر مستبد نمی‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

آقابخش، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳). تهران، نشر چاپار.

ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع، قم، کتاب‌فروشی داوری.
ابن خلدون، عبدالرحمان (بی‌تا). مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بی‌جا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰). البحر المحيط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، ج ۸.

ازدی، محمد بن عبدالله (۱۳۸۷). کتاب الماء، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ج ۱.

ایزدی، بیژن (۱۳۷۷). درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
ایوانز، گراهام (۱۳۸۱). فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حسین شریفی و طراز کوهی، تهران، نشر میزان.

بابایی، غلامرضا (۱۳۸۳). فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

پلینو، جک سی. (۱۳۷۵). فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حسن پستا، تهران، فرهنگ معاصر.

ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۱۰). الغارات، قم، دار الکتاب الاسلامیه، ج ۲.

جبعی عاملی، زین الدین بن علی (بی‌تا). الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، ج ۱.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶). الصحاح، بیروت، دار العلم، ج ۲.

خامنیه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵). سخنرانی ۶ خرداد، قابل دسترسی در:

<http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?sid=25&npt=7&aya=52>

_____ (۱۳۶۲). ولایت، تهران، حزب جمهوری اسلامی.

- خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۲۵). السراج المنیر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۳. خوئی، سید ابوالقاسم (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). مفردات الفاظ القرآن، تهران، مرتضوی. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱). التفسیر المنیر، دمشق، دار الفکر، ج ۱۹. سبحانی، جعفر (۱۴۱۲). الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل، قم، المركز العالمی للدراسات الإسلامیه، ج ۲.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۰۶). الجدید فی تفسیر القرآن، بیروت، دار التعارف، ج ۵. سیاوشی، مهدی و موسوی، مهدی (۱۳۹۷). جهاد کبیر، تهران، مرکز مطالعات حدیث ولایت دانشگاه امام حسین (ع).
- شیرودی، مرتضی (پاییز ۱۳۹۵). "تئوری نقش و تحلیل پارادوکس‌های رفتار سیاسی عالمان دینی ایران"، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ش ۱۸، ص ۱۰۵-۱۲۳.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (بی تا). الحکمة المتعالیه، قم، مصطفوی، ج ۲. صحرايي، علیرضا (تابستان ۱۳۹۷). «سازه مفهومی جهاد کبیر در گفتمان سیاست خارجی مقام معظم رهبری»، حکومت اسلامی، ش ۸۸، ص ۸۷-۱۱۴.
- طاهايي، سیدجواد و سیدرضا موسوی (زمستان ۱۳۹۲). "همسایگی، نظریه ای برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های سیاست اسلامی، ش ۴، ص ۱۶۵-۱۹۲.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ج ۱، ۴، ۵، ۱۳، ۱۵ و ۱۹.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ج ۳. _____ (۱۴۱۲). تفسیر جوامع الجامع، قم، مرکز مدیریت حوزه، ج ۳.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۷. عبداللهی، عباس (۱۳۹۷). جهاد کبیر: مبانی انقلابی از منظر قرآن کریم، تهران، کتاب فردا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین، قم، هجرت، ج ۳.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۸). الاصفی فی تفسیر القرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲.
- کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۰). تفسیر المعین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۷.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- محمدی، منوچهر (۱۳۶۶). اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، امیرکبیر.
- موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۱). البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- _____ (۱۳۸۹). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
- نجفی، محمدحسن (۱۴۳۰). جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العرب.